

بررسی برخی عوامل مؤثر بر کنش‌های فردگرایانه

علی حسین حسین‌زاده^{۱*}

زینب محمودی^۲

ایمان ممبینی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۸/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۲۱

چکیده

فردگرایی مبتنی بر این واقعیت است که فرد، واحد اصلی واقعیت و معیار نهایی ارزش است. فردگرایی افقی به نوعی از فردگرایی گفته می‌شود که فردیت افراد در عرض هم و در تعامل با هم معنا می‌یابد. در فردگرایی عمودی، هویت فردی از نوع متفاوت بودن و برتری نسبت به دیگران تلقی می‌گردد و استقلال به معنای فردیت متمایز یافته تلقی می‌گردد. در تحقیقات بین فرهنگی، آمریکا و سوئد به ترتیب به عنوان سمبل فردگرایی عمودی و افقی معرفی می‌شوند. روش این تحقیق، پیمایش، با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و حجم نمونه ۴۲۰ نفر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نوع غالب فردگرایی در جامعه‌ی شهر اهواز، فردگرایی عمودی است. نتایج همچنین بیانگر ارتباط معنی‌دار فردگرایی و جنسیت و برخی متغیرها نظیر تجربه‌های پیشین، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و تحصیلات است.

کلید واژه‌ها: فردگرایی عمودی، فردگرایی افقی، جمع‌گرایی، تجربه‌های پیشین

Email: Alihos81@yahoo.com

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز (*نویسنده مسئول)

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

۳- عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی خوزستان

مقدمه

فردگرایی مفهومی است مدرن و دارای ابعاد بسیار متعدد و متنوعی می‌باشد، به‌طور کلی فردگرایی ایده‌ای است که بر اهمیت فرد و منافع فردی تأکید دارد. این واژه برای مشخص کردن گستره‌ای از ایده‌ها فلسفه‌ها و دکترین‌ها استفاده شده است. ظهور فردیت در برداشت مدرن آن با فروپاشی نظم مذهبی، اقتصادی و اجتماعی قرون وسطی مرتبط است. در جنبش عمومی علیه فئودالیسم، تأکید تازه‌ای بر اهمیت وجود شخصی انسان صورت گرفت. در پروتستانتیسم نیز این تأکید بر رابطه مستقیم و فردی انسان با خدا، به عنوان مخالفت با واسطه بودن کلیسا بین انسان و خدا مرتبط بود (تریاندیس، ۱۳۷۸: ۲۵۷). فردگرایی نظریه‌ای است که نه تنها بر افراد انتزاعی و مجرد بلکه بر الویت منافع، علایق و حالات فرد تأکید دارد (ویلیامز، ۲۰۰۴: ۱۶۵). این مفهوم بر این دلالت دارد که واحد پیشرفت فرد است. در عین حال فردگرایی این امر را انکار نمی‌کند که فرد می‌تواند از طریق دستاوردها و پیشرفت‌های دیگران ساخته شود اما قائل به این است که پیشرفت می‌تواند از آن چه هم‌اکنون وجود دارد و انجام گرفته است فراتر رود؛ آن چیز جدیدی است که توسط فرد ایجاد می‌شود (همان: ۱۹).

به طور مشخص فردگرایی در قرن نوزدهم توسط نظریه پردازان اجتماعی (مانند توکویل، تونیس، دورکیم و...) مطرح گردید. و هر یک آن را از منظری خاص مورد تحلیل قرار داده‌اند. در حوزه مطالعات اجتماعی برخی مانند تونیس به بعد منفی آن یعنی (negative individualism) توجه داشته‌اند و برخی دیگر مانند دورکیم، توکویل، و... ابعاد مثبت (positive individualism) و منفی (NI) آن را توأمان مورد توجه قرار داده‌اند.

آن چه در تبیین و تحلیل فردگرایی باید لحاظ گردد توجه به ابعاد مختلف آن است. فردگرایی مثبت (PI) معمولاً یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه و در عین حال پیامدهای توسعه تلقی می‌گردد و معطوف به «تکاء به نفس»، «خود شکوفایی»، «مسئولیت‌پذیری»، «استقلال فردی»، و... است. فردگرایی منفی (عمودی) از جمله آفات فرهنگی در راه رسیدن به توسعه همه‌جانبه می‌باشد.

به همین دلیل می‌بایست بین فردگرایی مثبت و فردگرایی منفی تمایز قائل شد. زیرا در تفسیر دوم از فردگرایی فرد در پی نفع شخصی خود در کنار نفع اجتماعی سایرین نیست بلکه فرد نفع شخصی خود را به قیمت ضرر همگانی مرجح می‌داند.

فردگرایی منفی، خودپرستی و خودمحوری است، که در آن فرد همه چیز را فدای خویش نموده و با قائل شدن محوریت تام برای خویش، بر آن است تا همه چیز، نفع شخصی خود را بدست آورد که این نوع فردگرایی به اعتقاد توکویل «بذر هر فضیلت را خشک می‌کند» (کیویستو، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

تریاندیس (۱۹۹۸) این دو وجه از فردگرایی را تحت عنوان فردگرایی افقی و فردگرایی عمودی نام‌گذاری کرده است. به نظر وی در فردگرایی عمودی فرد «خود» را به عنوان یک موجودیت مجزا و متمایز در نظر می‌گیرد در این نوع الگوی شخصیتی انفصال احساسی از درون گروه وجود دارد و در صورت تضاد بین اهداف فردی و اهداف گروهی اهداف فردی در الویت قرار می‌گیرد همچنین، حس رقابت‌جویی و لذت‌گرایی از دیگر ویژگی‌های بارز آن است. فردگرایی افقی، الگوی شخصیتی است که در آن شخص می‌خواهد که منحصر به فرد و از گروه متمایز باشد، اما علاقه‌ای به برجسته شدن ندارد. این نوع از فردگرایی معمولاً یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه و در عین حال پیامدهای توسعه تلقی می‌گردد (تریاندیس، ۱۹۹۸: ۸۱-۹۰).

بیان مسأله

وجه مثبت فردگرایی تأثیر بسزایی در توسعه جوامع ایفا می‌کند، اما وجه منفی فردگرایی تأثیری تخریبی و ضد توسعه‌ای از خود بر جای می‌نهد. در رویکرد نظم اجتماعی وجود حداقلی از جهت‌گیری‌های معطوف به منفعت عمومی برای هر جامعه ضرورت دارد، اما با نگاهی اجمالی به وضعیت کنونی جامعه ایران و مسائل و مشکلات اجتماعی همچون مشارکت اجتماعی پائین در حوزه عمومی، نبود کارهای مشارکتی علمی و ورزشی، اختلال در ترافیک و همچنین تحقیقات انجام شده دیگر پژوهشگران به نظر می‌رسد فردگرایی موجود در میان ما فردگرایی منفی یا فردگرایی عمودی است.

چنانچه مشاهده شد، آنچه امروز در جامعه ایران مشاهده می‌شود و نیز در سخنان کارشناسان، برنامه ریزان و مسئولین فرهنگی کشور به کرات به چشم می‌خورد حاکی از عدم رعایت اصول شهروندی، قواعد راهنمایی و رانندگی، وجدان و تعهد کاری، انضباط اجتماعی و... است، اینها نمونه‌هایی هستند که وقتی تحت یک عنوان کلی «کم بودن رفتارهای معطوف به جمع» قرار گیرد، همگی حاکی از ارتباط دقیق موضوع تحقیق با مسائل اجتماعی مهم در ایران است. تحقیقات انجام شده قبلی نیز بر پایین بودن میزان عام‌گرایی، بالا بودن فردگرایی خودمدارانه اذعان داشته‌اند، توجه به این مسأله و نیز عدم پرداختن به عوامل مؤثر بر آن در ادبیات اجتماعی در ایران نشان دهنده ضرورت انجام پژوهش حاضر است. بنابراین سؤال اصلی این تحقیق این است که کنش‌های افراد در جامعه بیشتر معطوف به کدام نوع از فردگرایی می‌باشد و نیز چه عواملی بر فردگرایی اثرگذار می‌باشند.

مبانی نظری تحقیق

فیلسوفان سیاسی انگلیسی قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی برای اولین بار واژگان فردگرایی و جمع‌گرایی را به کار برده‌اند (تریاندیس، ۱۹۹۵: ۷-۱۹). آن‌ها از واژه‌ی فردگرایی برای توضیح لیبرالیسم (آزادی خواهی) که مبتنی بر باور آزادی حداکثری برای افراد، وجود گروه‌های داوطلبانه که افراد بتوانند بر اساس تمایل شخصی به عضویت آن‌ها درآمده، یا آن‌ها را بر همین اساس ترک کنند، و همچنین مشارکتی برابر در فعالیت‌های گروهی با دیگر اعضا داشته باشند؛ استفاده می‌کردند. واژه‌ای که متضاد با فردگرایی در این نظریات مورد استفاده قرار می‌گرفت، اقتدارگرایی بود که این آزادی‌ها را انکار می‌کرد. در این باور سیاسی افراد مجبور به اطاعت از خواسته‌های اتوریته هستند. در واقع این نوع نگرش، فرمانبرداری از اتوریته را برای دوری جستن از بی‌قانونی و هرج‌ومرج در یک جامعه ضروری می‌داند (همان: ۱۹). در قرن هجدهم باورهای فردگرایانه در انقلاب آمریکا و انقلاب فرانسه منجر به واکنشی شد که جمع‌گرایی نام گرفت. بدین ترتیب فردگرایی جان لاک در تقابل با جمع‌گرایی ژان ژاک روسو قرار می‌گیرد؛ کسی که در کتاب قرارداد اجتماعی مطرح می‌سازد که انسان‌ها تنها در اطاعت از خواسته‌های جمع آزادند (تریاندیس، ۱۹۹۵: ۱۹).

فردگرایی یک واژه‌ی مهم و مختص به ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دوران مدرنیته است. این واژه برای اولین بار در سال ۱۸۴۰م. در ترجمه انگلیسی کتاب "دموکراسی در امریکا" نوشته‌ی الکسی توکویل به کار گرفته شد. وی در کار بعدی خود در سال ۱۸۵۶م. مطرح می‌کند که: نیاکان ما واژه‌ی فردگرایی را نداشتند، زیرا در واقع در دوران آن‌ها فردی که به هیچ گروهی تعلق نداشته باشد، وجود نداشته است. هیچ کس قادر نبوده به خودش به عنوان یک موجودیت کاملاً تنها نگاه کند (همان: ۳۹۶). بدین ترتیب واژه‌ی فردگرایی برای تبیین رابطه‌ی جدید فرد و جامعه و جایگاه جدید فرد در جامعه‌ی مدرن به حوزه جامعه‌شناسی وارد می‌شود.

معنای جامع واژه‌ی فردگرایی در فرهنگ اقتصادی نئوپالگریو چنین آمده است: «فردگرایی، آن نظریه اجتماعی یا ایدئولوژی اجتماعی است که ارزش اخلاقی بالاتری را به فرد در قبال اجتماع یا جامعه اختصاص می‌دهد و در نتیجه، فردگرایی، نظریه‌ای است که از آزاد گذاردن افراد حمایت می‌کند، به نحوی که به هر آن‌چه آن را به نفع شخصی خودشان می‌دانند، عمل کنند» (جهانیان، ۱۳۷۸، ۴۰).

فردگرایی مبتنی بر این واقعیت است که فرد، واحد اصلی واقعیت و معیار نهایی ارزش است. این دیدگاه وجود جوامع و افرادی را که از زندگی در این جوامع سود می‌برند، انکار نمی‌کند. اما فردگرایی جامعه را به عنوان مجموعه‌ای از افراد می‌بیند، نه چیزی فراتر و بالاتر از آن‌ها (استاتا،

۱۹۹۲: ۲۵). در واقع در این دیدگاه اهمیت نقش‌های متقابل جمعی را رد نمی‌کند و مکانیسم‌های اجتماعی و تاثیر گروه بر رفتار فردی را نادیده نمی‌انگارد؛ بلکه آن چیزی که انکار این است که برای کنش این نیروها هدفی بیرون از فرد در نظر گرفته شود (بوردیو، ۱۳۷۸: ۱۹). فردگرایی مبتنی بر این باور است که هر فرد فی‌نفسه هدف است و هیچ کس نمی‌بایست به خاطر وجود دیگری فدا شود. این امر، فرد را به مثابه‌ی نوعی موضوع اعتقادی در نظر می‌گیرد و اعتقاد مشترکی را نسبت به هر فرد به طور عام مطرح می‌سازد.

طبقه‌بندی فردگرایی به افقی و عمودی، عمدتاً معطوف به تحقیقات انجام شده در این خصوص می‌باشد. این تفکیک در مطالعات بین فرهنگی انجام شده توسط سینجلیس، تریاندیس و... (۱۹۹۵) و دیگر محققان این حوزه صورت گرفته است. ضمن آن که باید یادآور گردید که یکی از معروف‌ترین و مهم‌ترین مطالعات انجام شده درباره‌ی فردگرایی تحقیق گرت هوفستد (رک چلبی، ۱۳۸۱) است که نتایج آن در کتاب پیامدهای فرهنگ (۱۹۸۰ و ۲۰۰۱) و کتاب فرهنگ‌ها و سازمان‌ها (۲۰۰۳ و ۱۹۹۱) منعکس گردیده است. بر اساس رویکرد بین فرهنگی، فردگرایی اساساً به ویژگی گفته می‌شود که در جوامعی که پیوندهای شان به بین افراد تقلیل یافته و انتظار می‌رود هر بخش بعد از توجه به خود، صرفاً به خانواده‌اش توجه نماید، یافت می‌شود (هوفستد، ۲۰۰۳: ۵۱). در فردگرایی هویت مبتنی بر فرد است، افراد درون خانواده هسته‌ای رشد می‌کنند و کودکان یاد می‌گیرند تا به مثابه‌ی «من» فکر کنند (همان: ۶۷).

تقسیم فردگرایی به بعد افقی و عمودی برای فهم نظام ارزشی فرهنگ‌ها می‌تواند به عنوان شیوه‌های مناسب تلقی گردد. افراد در جوامع افقی (دارای ارزش‌های برابر) خودشان را به عنوان دارندگان پایگاه‌های مشابه در کنار دیگران در جامعه می‌بینند، ولی افراد در جوامع عمومی خودشان را متفاوت از دیگران در پهنه یک سلسله مراتب می‌بینند و نابرابری را پذیرفته‌اند. این ابعاد با ترکیب با فردگرایی می‌تواند به بررسی آن کمک قابل توجهی نماید (نلسون و شویت، ۲۰۰۲: ۴۴۰).

بر این اساس فردگرایی افقی به نوعی از فردگرایی گفته می‌شود که هویت فردی در آن دارای اهمیت بوده، ولی افراد دارای وابستگی متقابل به یکدیگر هستند و خود را دارای پایگاه مشابه می‌دانند. همچنین احترام به استقلال هویتی و شخصی خود و احترام به هم‌نوعان از دیگر ویژگی‌های فردگرایی افقی است و به تعبیر دیگر، فردیت افراد در عرض هم و در تعامل با هم معنا می‌یابد. فردگرایی عمودی به نوعی از فردگرایی گفته می‌شود که هویت فردی از نوع متفاوت بودن و برتری نسبت به دیگران تلقی می‌گردد و استقلال به معنای فردیت متمایز یافته و برجسته تلقی می‌گردد. در تحقیقات بین فرهنگی ایالات متحده آمریکا به عنوان سمبل فردگرایی عمودی و سوئد از جمله کشورهای دارای فردگرایی افقی معرفی گردیده است.

فردگرایی در نظریه‌ی دورکیم، در مبحث چگونگی گذار جوامع از سنتی به مدرن ارائه شده است. از نظر دورکیم به دلیل پاره شدن و از بین رفتن انسجام مکانیکی بر اثر تغییر و تحولات جامعه پیشرفته، جامعه صنعتی برای ادامه حیات خویش نیازمند در انداختن طرحی جدید است تا از آن رهگذر بتواند ضمن ادامه بقاء از شرایط بی‌هنجاری که بر اثر از بین رفتن انسجام پیشین به وجود آمده است رهایی یابد. دورکیم مانند بسیاری از کلاسیک‌های جامعه‌شناسی سعی در تبیین وضعیت جوامع سنتی و مدرن با تکیه بر متغیرهای دو وجهی اقدام نموده است. وی مدرن شدن را مستلزم حرکت از «همبستگی مکانیکی» به سوی «همبستگی ارگانیکی» میدانسته است. در همبستگی مکانیکی «همبستگی ناشی از همانندی‌ها به حد اعلای خود خواهد رسید: در این صورت فردیت ما هیچ می‌شود.» در این همبستگی شخصیت افراد برآیندی از «وجود جمع» است، پس محو می‌شود و فرد چون شی‌ای که به صاحبش وابسته است در مسیر تمایلات جامعه قدم بر می‌دارد (دورکیم، ۱۳۸۱: ۱۱۸).

همبستگی نوع دوم به همبستگی آلی و یا ارگانیکی شهرت دارد. این همبستگی ناشی از تقسیم کار در جامعه جدید، و «مستلزم آن است که افراد با هم فرق داشته باشند». در نتیجه هر کس شخصیت خاص خود را دارد. وجدان جمعی به وجدان فردی اجازه بروز می‌دهد تا آن دسته از «نقش‌های خاصی» که خود توانایی ایفای آنان را ندارد؛ توسط وجدان فردی ایفا شوند. هر چند فعالیت‌های افراد در جامعه به موازات تخصصی‌تر شدن شخصی‌تر می‌شوند، اما به طور کامل فعالیتی «اصیل و خود بنیاد» نیستند. بلکه تحت تأثیر وابستگی‌های افراد به جامعه کل صورت می‌گیرند. «در اینجا فردیت کل همزمان و همراه با فردیت اجزاء افزایش می‌یابد؛ جامعه با حرکت کردن همراه با مجموعه تواناتر است و در عین حال هر یک از اجزاء نیز حرکات شخصی بیشتری دارند (همان: ۱۱۹).

از نظر زیمل فردیت انسان معمولاً به درجه‌ای افزایش می‌یابد که حلقه اجتماعی این امکان را بدهد. حلقه‌های اجتماعی بزرگ در نهایت موجب تهدید آزادی فردی می‌شوند. آنچه که موجب رهایی بندهای میان افراد می‌شود و میان آنها فاصله بیشتری را به شکل روابط مقطعی و غیرشخصی ایجاد می‌کند، افزایش اندازه و تفاوت است. گروه بزرگ ضمن اینکه افراد را آزاد می‌سازند به طور همزمان فردیت را نیز تهدید می‌کند (ریترز، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

در مجموع زیمل قائل به این است که در دوران مدرن فردگرایی به گونه‌ای رخ می‌دهد که همزمان ماهیت تضعیف‌کننده آن نیز در فرهنگ مدرن تولید می‌شود. مدرنیته با اینکه امکان فردیت و آزادی فرد را از قید و بندهای سنتی فراهم می‌سازد، اما با فروکاستن فرد به درون انواع حلقه‌های اجتماعی پیچیده و روابط اقتصادی پولی به‌ویژه در درون کلان‌شهرها عوامل تهدید کننده‌ی فردیت را موجب می‌شود. این است که زیمل جریان فرهنگ مدرن را قابل تقسیم به دو

شاخه مختلف می‌داند: در یک سو، هم سطح سازی و برقراری تساوی و آفریدن حلقه‌های اجتماعی بزرگ‌تر از رهگذر پیوند دادن بعیدترین چیزها در وضعیت‌های برابر و از سوی دیگر آفریدن فردی‌ترین چیزها و عدم وابستگی شخص و استقلال تحول وی (کرایب، ۱۳۸۸: ۲۱۱).

یکی از عناصر مهم و مؤثر شخصیتی در بروز رفتارهای فردگرایانه، جنسیت است. داورین اعتقاد دارد که «زنان به نظر می‌آید که با گرایش‌های روحی (و به خصوص در عطفوت) بیشتر و خودخواهی کمتر، از مردان متفاوت هستند. در عوض مردان از رقابت بیشتر لذت می‌برند، و این امر آن‌ها را به سمت نوعی بلند پروازی رهنمون می‌سازد که به سادگی منجر به خودخواهی می‌شود».

اکل و گروسن (۱۹۹۸) در تحقیق خود دنبال پاسخ به این سؤال بودند که آیا مردان کمتر از زنان خودخواه هستند یا نه و برای آن یک بازی دیکتاتور طرح کردند. تحقیقات قبلی نشان می‌داد که زنان همیارانه‌تر و سخاوتمندتر از مردان هستند. نتایج تحقیق آن‌ها نیز نشان می‌دهد که زنان بیشتر جهت‌گیری اجتماعی دارند و مردان بیشتر جهت‌گیری فردی دارند. زنان دو برابر مردان، به شریک ناشناسی در بازی دیکتاتور پول اختصاص دادند. در هر حال، فرایند جامعه‌پذیری زنان را همیارانه‌تر از مردان می‌کند (پیوسته‌گر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

روش تحقیق

در این تحقیق برای بررسی و تبیین فردگرایی و ارتباط آن با متغیرهای مستقل تحقیق، از روش پیمایش^۱ استفاده شده است. استفاده از ابزار پرسش‌نامه رایج‌ترین روش سنجش ارزش‌ها در پژوهش‌های پیمایشی است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش کلیه‌ی شهروندان زن و مرد ۲۰ تا ۶۴ ساله‌ی ساکن مناطق ۸ گانه‌ی شهری اهواز را شامل می‌شود. جمعیت ساکن در نقاط شهری اهواز، بر اساس آخرین سرشماری کشور، ۱۰۵۹۴۶۱ نفر می‌باشد که از این تعداد در حدود ۶۱۲۴۱۲ نفر، در محدوده‌ی سنی ۲۰ تا ۶۴ سال قرار دارند (سالنامه‌ی آماری استان خوزستان، ۱۳۸۵).

حجم نمونه تحقیق حاضر، بر اساس «برآورد حجم نمونه بر حسب جدول تعیین حجم نمونه از روی حجم جامعه» تعیین شده است. کریسی و مورگان (۱۹۷۰) جدولی را فراهم کرده‌اند که با استفاده از آن می‌توان حجم نمونه را از روی حجم جامعه برآورد کرد. این دو با توجه به

1. survey

خطای نمونه گیری ۰.۰۵ و سطح اطمینان ۰.۹۵ همبسته با آماره مجذور کای برای یک درجه آزادی، فرمولی ارائه دادند و جدول خود را بر اساس این فرمول و مقادیر مختلف N ارائه دادند. چون به تجربه ثابت شده است که حجم نمونه به دست آمده از فرمول یاد شده، با حجم نمونه به دست آمده از فرمول های نسبت برابر است، لذا می توان با اطمینان کامل از این جدول استفاده کرد (حسن زاده، ۱۳۸۲: ۱۳۲).

بر اساس جدول مذکور، چنانچه جمعیت تحقیق بالای یک میلیون نفر باشد (مانند تحقیق حاضر) حجم نمونه ۳۸۴ کافی می باشد. اما در این تحقیق جهت افزایش دقت تحقیق، حجم نهایی نمونه، ۴۲۰ نفر در نظر گرفته شد. از آنجایی که تعداد ۱۸ پرسشنامه به صورت ناقص تکمیل گردیده بود؛ تجزیه و تحلیل نهایی بر روی اطلاعات ۴۰۲ نفر از پاسخگویان انجام پذیرفت.

در این پژوهش، به منظور نمونه گیری از جمعیت آماری تحقیق، از شیوهی نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شده است. نحوه انتخاب نمونه بدین صورت بوده که ابتدا از بین مناطق هشت گانه شهرداری اهواز، به صورت تصادفی و به قید قرعه، پنج منطقه انتخاب شد. سپس در هر کدام از این مناطق، با توجه به تعداد نواحی موجود در آن منطقه، یک محله، به صورت تصادفی انتخاب شده و در آن محله، نسبت به تکمیل ۲۰ پرسشنامه به صورت تصادفی اقدام شده است. بدین صورت که پرسشگر به آدرس مورد نظر مراجعه کرده و به صورت حضوری نسبت به تکمیل پرسشنامه ها اقدام نموده است. زمان جمع آوری اطلاعات نیز، پاییز سال ۱۳۹۱ می باشد.

تعریف مفهومی و عملیاتی فردگرایی عمودی: فردگرایی عمودی نوعی الگوی شخصی است که فرد «خود» را به عنوان یک موجودیت مجزا و متمایز در نظر می گیرد. در این نوع الگوی شخصیتی رفتارها به وسیله ترجیحات و انتخاب های فردی و تحلیل سود و زیان تحلیل می شود و انفصال احساسی از درون گروه وجود دارد و در صورت تضاد بین اهداف فردی و اهداف گروهی، اهداف فردی در اولویت قرار می گیرد. همچنین اعتماد به نفس بالا، حس رقابت جویی و لذت گرایی از دیگر ویژگی های بارز این نوع شخصیت است. برای سنجش متغیر فردگرایی عمودی، علاوه بر استفاده از گویه های تک جمله ای - که نتایج مربوط به آن در جدول شماره ارائه شده اند - از آزمون موقعیت برای بررسی ترجیحات نفع طلبانه ای چهار موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی (طبق مبانی مفهومی ذکر شده) استفاده شد.

تعریف مفهومی و عملیاتی فردگرایی افقی: الگوی شخصیتی است که در آن شخص می خواهد که منحصر به فرد و از گروه متمایز باشد، اما علاقه ای به برجسته شدن ندارد (تریانندیس، ۱۳۷۸: ۲۵۹-۲۶۶). این نوع از فردگرایی معمولاً یکی از مهم ترین شاخص های توسعه و در عین

حال پیامدهای توسعه تلقی می‌گردد. شاخص‌های فردگرایی افقی عبارتند از: خودباوری و اعتقاد به توانایی خود، اتکاء به نفس (متکی بودن به خود) و انتخاب اهداف شخصی که همگی دارای بار ارزشی مثبت هستند.

پیش‌آزمون و سنجش پایایی: برای سنجش پایایی شاخص‌ها و میزان همبستگی درونی گویه‌هایی که شاخص‌ها را تشکیل می‌دهند، در ابتدا ۳۰ پرسشنامه قبل از پرسشنامه‌ی اصلی پرس شده است و با استفاده از آلفای کرونباخ، همبستگی درونی گویه‌ها سنجیده شده است. سپس گویه‌هایی که همبستگی پایینی با دیگر گویه‌ها برای ساخت شاخص‌ها داشته‌اند، حذف شده و در نهایت، پرسشنامه اصلی تحقیق تدوین شده است. میزان آلفای کرونباخ همه‌ی شاخص‌های تحقیق بالاتر از ۰.۷۵ است.

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های پاسخگویان

پاسخگویان: ۴۶.۳ درصد پاسخگویان تحقیق زن و ۵۳.۷ درصد مرد هستند. سن پاسخگویان تحقیق: ۴۵ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال، ۳۱.۶ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال، ۱۰.۹ درصد در گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ سال، ۸.۵ درصد در گروه سنی ۵۰ تا ۵۹ سال و ۱.۲ درصد در گروه سنی ۶۰ تا ۶۴ سال قرار دارند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۱.۵ سال و با انحراف معیار ۱۰.۱ سال است. کمینه سنی پاسخگویان ۲۰ و حداکثر آن ۶۴ سال است.

تحصیلات پاسخگویان: ۵ درصد پاسخگویان تحقیق دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۱۷.۹ درصد متوسطه و دیپلم ناقص، ۳۳.۸ درصد دیپلم و پیش‌دانشگاهی، ۱۶.۴ درصد فوق دیپلم، ۲۱.۶ درصد لیسانس و ۵.۲ درصد فوق لیسانس و دکتری می‌باشند. همچنین میانگین تحصیلات پاسخگویان، بین دیپلم و فوق دیپلم قرار دارد. وضعیت شغلی پاسخگویان: ۲۰.۶ درصد پاسخگویان تحقیق بیکار، ۱۲.۷ درصد خانه‌دار، ۶.۷ درصد بازنشسته، ۱۲.۷ درصد دانشجو، ۱.۷ درصد سرباز و ۴۵.۵ درصد شاغل می‌باشند. پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان: نتایج نشان می‌دهد که ۳۳.۸ درصد پاسخگویان پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، ۴۹.۷ درصد متوسط و ۱۶.۴ درصد متعلق به پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا بوده‌اند.

یافته‌های توصیفی تحقیق

فردگرایی عمودی: برای ساخت متغیر فردگرایی عمودی، از تجمیع و ترکیب نمرات پاسخگویان در نه گویه استفاده شده که یافته‌های توصیفی مربوط به پنج گویه‌ی آن، در جدول

شماره ۱ ارائه شده است. چهار سؤال دیگر آن نیز، مربوط به رفتار فرد در موقعیت های چهارگانه ی رعایت نوبت در ایستگاه اتوبوس، استخدام در شرکت، نگهبان کوچه و مأمور گمرک می باشد. همان گونه که جدول شماره ۲ نشان می دهد، میانگین کلی فردگرایی عمودی، ۲۷.۲ (از نمره ۹ تا ۴۵) با انحراف معیار ۶.۷۳ است. این میزان، ۳.۰۲ از نمره ۱ تا ۵ است. فردگرایی افقی: برای ساخت متغیر فردگرایی افقی، از تجمیع و ترکیب نمرات پاسخگویان در این چهار گویه استفاده شده است. میانگین کلی فردگرایی افقی، ۸.۰۱ (از نمره ۴ تا ۲۰) با انحراف معیار ۲.۸۹ است. این میزان، ۲.۰ از نمره ۱ تا ۵ است.

جدول ۱: توزیع نظر پاسخگویان درباره ی گویه های فردگرایی عمودی و افقی

نوع فردگرایی	گویه	کاملاً موافق	موافق	بینابین	مخالف	کاملاً مخالف
فردگرایی عمودی	وقتی دیگران کاری را بهتر از من انجام دهند، احساس خوبی ندارم.	۸.۵	۲۹.۶	۲۰.۴	۳۱.۶	۱۰.۸
	ملاک اصلی انتخاب شغل برای من، درآمد و منزلت اجتماعی آن است	۲۹.۶	۴۰.۳	۲۳.۹	۳.۵	۲.۷
	برای من مهم نیست که کشورم در چشم ملت های دیگر چگونه است.	۱۸.۵	۱۹.۶	۱۵.۴	۳۷.۶	۹.۸
	وقتی موفق به انجام کاری می شوم که دیگران در آن شکست خورده اند، احساس خوشایندی دارم.	۱۹.۶	۳۰.۳	۲۸.۹	۸.۵	۱۲.۷
	برای من خیلی مهم است که خودم را بهتر و برتر از دیگران نشان دهم.	۱۷.۰	۳۱.۰	۲۷.۸	۱۸.۵	۵.۸
فردگرایی افقی	دوست دارم مستقل رفتار کنم و کنترل کارها دست خودم باشد.	۳۲.۳	۵۲.۷	۸.۷	۵.۷	۰.۵
	من اغلب اوقات به خودم متکی هستم و به ندرت به دیگران اتکا می کنم.	۲۲.۸	۵۳.۵	۱۴.۴	۷.۵	۱.۷
	هر اتفاقی برایم بیفتد، نتیجه عمل خودم است.	۳۴.۳	۵۰.۷	۸.۷	۵.۲	۱.۰
	وقتی با یک مشکل شخصی بزرگ مواجه می شوی، بهتر است به جای گوش دادن به نصیحت دیگران، خودت تصمیم بگیری.	۲۵.۵	۵۰.۵	۱۴.۵	۵.۵	۴.۰

جدول ۲: توصیف شاخص‌های آماری میزان فردگرایی عمودی و افقی

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانگین (۱-۵)	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
فردگرایی عمودی	۳۹۴	۲۷.۲۰ (از نمره ۹ تا ۴۵)	۳.۰۲	۶.۷۳	۱۳	۴۳
فردگرایی افقی	۴۰۰	۸.۰۱ (از نمره ۴ تا ۲۰)	۲.۰	۲.۸۹	۴	۱۸

تجربه‌های قبلی: همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌نماییم، ۲۲.۶ درصد پاسخگویان با این عبارت کاملاً موافق بوده‌اند. این بدان معناست که آن‌ها تجربه‌ی بسیار ناخوشایندی از همکاری‌های قبلی خود با دیگران داشته‌اند. ۵۰ مجموعاً درصد پاسخگویان تجربه ناخوشایندی (تجربه منفی) از همکاری داشته‌اند و تنها ۱۷.۴ درصد، تجربه قبلی مثبت داشته‌اند. ۳۲.۶ درصد نیز تا حدودی از همکاری‌های قبلی خود، تجربه‌ی منفی و ناخوشایند داشته‌اند.

جدول ۳: توزیع نظر پاسخگویان درباره‌ی تجربه‌های قبلی

کاملاً موافق	کاملاً مخالف	موافق	مخالف	تاحدودی موافق	تاحدودی مخالف
۲۲.۶	۲۷.۴	۳۲.۶	۱۳.۴	۴.۰	۴.۰

اکثر مواردی که من به فکر دیگران بودم و رعایت دیگران را می‌کردم، بقیه مردم چنین کاری نمی‌کردند و لذا من ضرر می‌کردم.

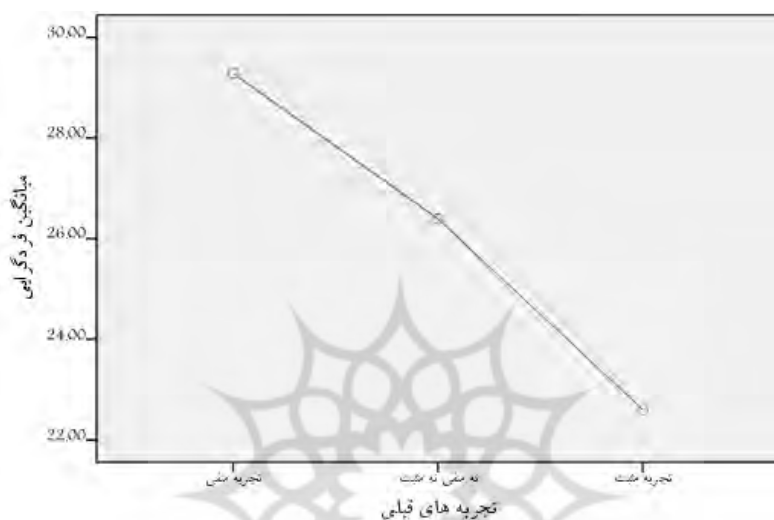
آزمون فرضیات تحقیق

فرضیه‌ی شماره ۱: به نظر می‌رسد بین فردگرایی و تجربه‌های قبلی، رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد.

برای شناخت رابطه بین فردگرایی (به‌عنوان متغیر وابسته) و تجربه‌های قبلی (به‌عنوان متغیر مستقل) از آزمون F استفاده شده است. مطابق با خروجی آزمون تحلیل واریانس و یافته‌های جدول شماره ۴، فردگرایی افرادی که تجربه‌های قبلی منفی از همکاری‌هایشان با دیگران داشته‌اند، بیش از سایر افراد است. میانگین فردگرایی این افراد ۲۹.۲ است. همچنین میانگین فردگرایی افراد با تجربه‌های قبلی نه مثبت و نه منفی، ۲۶.۳ و میانگین فردگرایی افراد با تجربه‌های قبلی مثبت، ۲۲.۶۰ می‌باشد. مقدار F (۳۰.۲۰) با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰۰ نشان می‌دهد که این تفاوت‌ها معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۴: آزمون تفاوت میانگین فردگرایی با متغیر جنسیت

تجربه‌های قبلی	مشاهدات (N)	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار T	سطح معنی‌داری
تجربه منفی	۱۹۹	۲۹.۲۸	۶.۸۲	۳۰.۲۰	۰.۰۰۰
نه منفی، نه مثبت	۱۲۷	۲۶.۳۹	۵.۵۸		
تجربه مثبت	۶۸	۲۲.۶۰	۵.۸۳		



فرضیه‌ی شماره ۳: به نظر می‌رسد بین فردگرایی و جنسیت، رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد.

همان‌گونه که در جدول شماره‌ی ۵ مشاهده می‌نماییم، میانگین میزان فردگرایی مردان برابر با ۲۷.۹ و زنان ۲۶.۲ است. با توجه به سطح معنی‌داری (۰.۰۱۱) و مقدار T (۲.۵۵۴)، این اختلاف از لحاظ آماری معنی‌دار بوده و این فرضیه، مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، میزان فردگرایی مردان بیش از زنان می‌باشد. داورین (۱۸۴۷)، به نقل از اکل و گروسمن، (۱۹۸۸) اعتقاد دارد که «زنان با گرایش‌های روحی و به خصوص عطوفت بیشتر و خودخواهی کمتر، از مردان متفاوت هستند. در عوض مردان از رقابت بیشتر لذت می‌برند. و این امر آن‌ها را به سمت نوعی بلندپروازی رهنمون می‌سازد که به سادگی منجر به خودخواهی می‌شود.» تأیید این فرضیه، با نتایج تحقیقات بسیاری از جمله تحقیق گسترده نایت و چائو^۱ (۱۹۸۶) همسو است.

1. knight & chao

جدول ۵: آزمون تفاوت میانگین فردگرایی با متغیر جنسیت

جنسیت	مشاهدات (N)	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار T	سطح معنی‌داری
مرد	۲۱۲	۲۷.۹۶	۷.۰۰	۲.۵۵۴	۰.۰۱۱
زن	۱۷۸	۲۶.۲۱	۶.۳۴		

فرضیه‌ی شماره ۴: به نظر می‌رسد بین فردگرایی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی، رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی (-۰.۴۸۱) و سطح معنی‌داری (۰.۰۰۰)، نشان دهنده‌ی وجود رابطه‌ی معکوس و معنی‌دار، در سطح متوسط، بین دو متغیر فردگرایی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی است. بدین معنی که با افزایش پایگاه، از فردگرایی پاسخگویان کاسته می‌شود. در تئوری پارسونز عنوان شده که نوع تمایلات به علت شیوه‌های گوناگون جامعه‌پذیری در خانواده‌های بالا و پایین و متوسط متفاوت است. بنابراین تأیید این فرضیه، مؤید نظریه پارسونز است.

جدول ۶: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین فردگرایی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
فردگرایی	-۰.۴۸۱	۰.۰۰۰

فرضیه‌ی شماره ۵: به نظر می‌رسد بین فردگرایی و تحصیلات، رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد.

مطابق با خروجی آزمون تحلیل واریانس، با افزایش تحصیلات، میزان فردگرایی کاهش می‌یابد. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌نماییم، افراد دارای سطح تحصیلی فوق لیسانس و دکتری با میانگین ۲۳.۲ و افراد بی‌سواد و همچنین افراد دارای سطح تحصیلی ابتدایی و راهنمایی، با میانگین ۳۳.۴، به ترتیب کمترین و بیشترین میزان فردگرایی را نشان داده‌اند. مقدار F (۱۸.۲۵۱) با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰ نشان می‌دهد که این تفاوت‌ها معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۷: خروجی آزمون تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین فردگرایی با متغیر تحصیلات

تحصیلات	مشاهدات (N)	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار F	سطح معنی‌داری
بیسواد، ابتدایی و راهنمایی	۲۰	۳۳.۴۵	۷.۴۷	۱۸.۲۵۱	۰.۰۰۰
متوسطه، دیپلم ناقص	۷۰	۳۱.۱۰	۵.۸۸		
دیپلم، پیش دانشگاهی	۱۱۵	۲۸.۱۰	۶.۵۳		
فوق دیپلم	۵۱	۲۵.۴۹	۶.۸۱		
لیسانس	۹۴	۲۴.۶۴	۵.۶۲		
فوق لیسانس و دکتری	۴۴	۲۳.۲۲	۴.۴۴		

نتیجه‌گیری

نقطه شروع این پژوهش و محرک اصلی آن، این پرسش بود که فردگرایی چیست، انواع آن کدامند و کنش‌های ایرانیان بیشتر از کدام نوع است؟ و کدام یک از عوامل اجتماعی می‌توانند تبیین‌کننده‌ی این وضعیت باشند؟ این پژوهش نشان داد قرائت‌های مختلفی از فردگرایی وجود دارد. همچنین فردگرایی جنبه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فلسفی و الهیاتی نیز دارد. لوکز، یازده تعریف برای فردگرایی تشخیص داده است که طیفی از معانی مثبت و منفی را شامل می‌شود. با نگاهی اجمالی به وضعیت جامعه ایران، شخصیت اجتماعی ایرانیان و مسائل و مشکلات اجتماعی (از قبیل مشارکت اجتماعی پایین در حوزه عمومی، نبود کارهای مشارکتی، اختلال ترافیک و ...) به نظر می‌رسد که فردگرایی موجود در میان ما فردگرایی غیراجتماعی یا خودمدارانه است (آنچه که تریان‌دیس آن را فردگرایی عمودی معرفی می‌کند و در مفهوم سازی عملی تحقیق از آن استفاده شده است) منظور از کنش‌های فردگرایانه در این پژوهش نوعی الگوی شخصیتی است که فرد «خود» را به عنوان یک موجودیت مجزا و متمایز در نظر می‌گیرد؛ در این الگو رفتارها به وسیله ترجیحات و انتخاب‌های فردی و تحلیل سود و زیان تحلیل می‌شود و در آن انفصال احساسی از گروه وجود دارد و در صورت تضاد بین اهداف فردی و اهداف گروهی اهداف فردی در الویت قرار می‌گیرد. همچنین اعتماد به نفس بالا، حس رقابت‌جویی و لذت‌گرایی از دیگر ویژگی‌های بارز این نوع شخصیت است.

در این تحقیق برای اندازه‌گیری میزان فردگرایی عمودی از گویه‌های استاندارد شده تحقیقات تریان‌دیس و هوفستد با اندکی تغییر استفاده شده است. میزان فردگرایی عمودی ۳.۰۲ و میزان فردگرایی افقی ۲.۰ (از نمره ۱ تا ۵) است. فردگرایی عمودی معرف حالتی است که فرد به منظور به دست آوردن امیال و اهداف دلخواهانه‌اش، نسبت به دیگر افراد بی‌توجه است؛

در این حالت اگر هم هماهنگی منافع مورد نظر وجود داشته باشد، تنها از نقطه نظر نفع شخصی پیگیری می‌شود. به عبارت دیگر اگر من و دیگری در یک فضای محدود احاطه شده باشد، به طوری که وجود دیگری آزادی انتخاب و حرکت مرا محدود کند، بیهوده است که بگویم منافع‌مان با هم هماهنگ است. تنها آن‌گونه که بودن دیگری در جهان، جهان مرا بزرگتر سازد منافع دیگری می‌تواند با منافع من هماهنگ شود. بنابراین در این موقعیت هیچ اصل اخلاقی برای توجیه رفتارها و اعمال فردی وجود نخواهد داشت و تنها آنچه حاکم است منفعت و سود شخصی است. بدین ترتیب خودخواهی به معنای تعقیب منافع شخصی به زیان منافع دیگران است.

منابع

- پیوسته‌گر، مهرانگیز؛ یزدی، سیده منور؛ مختاری، لیلا (۱۳۹۰) رابطه خودشیفتگی و عزت نفس با پرخاشگری و مقایسه تحولی آن در دختران نوجوان، مجله مطالعات روان‌شناختی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناختی دانشگاه الزهراء، دوره ۷، شماره ۱، ۱۴۴-۱۲۷.
- تریاندیس، هری (۱۳۷۸) فرهنگ و رفتارهای اجتماعی، ترجمه: نصرت فنی-تهران، نشر سانس.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، نشر نی: تهران.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱) بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- چلبی، مسعود و امیرکافی، مهدی (۱۳۸۳) تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی پنجم، شماره ۲.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۰) نظریه جامعه‌شناختی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ چهارم، انتشارات علمی، تهران.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱) خودکشی، ترجمه‌ی نادر سالارزاده امیری، انتشارات علامه طباطبایی: تهران.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۷۸) پیرامون خودمداری ایرانیان: پژوهشی در روان‌شناسی اجتماعی مردم ایران، تهران: ارمغان.
- کرایب، یان (۱۳۸۸) نظریه اجتماعی کلاسیک، ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: آگه.
- کیویستو، پیتر (۱۳۹۰) اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- معیدفر، سعید و دربندی، سیدعلیرضا (۱۳۸۵) "بررسی رفتار و نگرش جمع‌گرایانه شهروندان تهرانی" مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره: ۳، صص ۵۸-۳۴.
- American Psychiatric Association, (1994). Diagnostic and statistical manual of mental disorders, (4-Ed). Washington, DC: Author.

- Triandis, H. C. (1995). Individualism and collectivism. Boulder, CO: West view Press.
- Turner, Jonathan. sociology concepts and uses, McGraw-hill, Inc, 1977.
- Triandis, H. C. (1998). Neighborhood Poverty and the Social Isolation of Inner- City African American Families , ProQuest Education Journals.
- Willame, maitei (2004) the magnifying glass effect: negotiating individualism and community on the internet university of California press.



The Study of Some Effective Factors on Individualistic Actions

Alihossein Hosseinzadeh¹

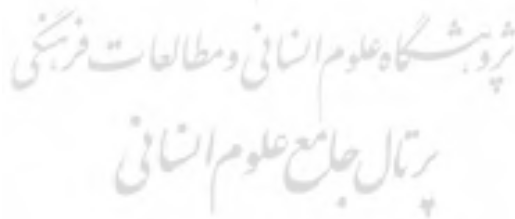
Zeinab Mahmoudi²

Iman Mombeni³

Abstract

Individualism is based on the fact that a person's basic unit of reality and the ultimate standard of value. horizontal individualism is a kind of individualistic individuality both in width and means by interaction with each other. The vertical individualism, individuality and distinction of being different than others is a sense of individuality and independence is a distinct findings. In cross-cultural research, America and Sweden respectively are introduced to incorporate horizontal and vertical individualism. The method of This research is Surveying, using a questionnaire and a sample size is 420 people. Results shows that most of individualism in Ahwaz society , vertical individualism. The results also indicate a significant relationship between individualism and sexuality, and some variables, such as history effect, social – economic site and education.

Keywords: Horizontal Individualism, Vertical Individualism, Collectivism, History Effect.



1. Professor of Sociology, Shahid Chamran University

2. M.A in Sociology

3. Professor in Sociology, Jahade Daneshgahi in Khuzestan